



۱۴۲۴۹۹



دانشکده حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل

موضوع:

تعهدات دولتهای عضو در مقابل دیوان

بین المللی کیفری

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید جمال سیفی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید محمد قاری سید فاطمی

دانشجو:

سودابه دهقانیور فراشاه ۲۴ / ۷ / ۱۳۸۹

زمستان ۱۳۸۸

کتابخانه دانشگاه گجرات  
کتابخانه حقوق

۱۴۲۴۶۶

تقدیم به

پدرم که در آسمانهاست

مادرم که زمین به او می‌بالد

و همسرم که همراهی مهربان است.

## تقدیر و تشکر

در آغاز از جناب آقای دکتر سیفی به دلیل حسن اعتمادشان و راهنمایی های ارزنده شان کمال امتنان خود را بیان می نمایم.

و سپس مراتب سپاس خود را از استاد مشاور، جناب آقای دکتر سیدفاطمی که علاوه بر دانش و مشاوره های گرانبها از اخلاقمندی و شکیبایی ایشان، بسیار محظوظ گردیدیم، اعلان می نمایم و همچنین از جناب آقای دکتر نیاورانی که داوری این پایان نامه را به عهده داشتند، متشکرم.

و از خداوند، سلامتی و پایدگی این بزرگان را برای محافل این علم خواستار هستم.

همچنین از اساتید محترم و بزرگوار گروه حقوق بین الملل و عمومی که در طول تحصیل حق بزرگی بر ذمه اینجانب نهاده اند و همچنین از مدیر محترم گروه، جناب آقای دکتر هاشمی همیشه مهربان و صبور، تشکر و امتنان خود را اعلان می نمایم.

## چکیده

در میان اکثر کشورها، دیوان بین المللی کیفری به عنوان سازمانی که موظف است صلاحیت و اختیاراتش را از طریق یک دادرسی عادلانه، موثر و بیطرفانه به کار گیرد، شناخته شده است، اما این سازمان به تنهایی قادر به پایان بخشیدن به مصونیت نخواهد بود.

موفقیت دیوان در رسیدن به اهدافش، کاملاً به حمایت و مشارکت دولتها بستگی دارد، صلاحیت دیوان تکمیلی است بدین معنا که حتی در موقعیتهایی که دیوان صلاحیت رسیدگی دارد، ضرورتاً اقدام به رسیدگی نمی نماید. دیوان بین المللی کیفری قصد دارد تنها زمانی که کشورها نمی توانند یا مایل نیستند به رسیدگی پردازند، اقدام به رسیدگی نماید.

بنابراین اگر کشورها مایلند که دیوان به اهداف تعیین شده برسد، باید تعهداتشان در مقابل این سازمان را به انجام برسانند و مطابق اساسنامه رم همکاریهای لازم با دیوان را به عمل آورند.

در این پایان نامه قصد بر این است که تعهداتی که دولتهای عضو اساسنامه رم در مقابل دیوان دارند و آنچه که باید در جهت همکاری با دیوان انجام بدهند پرداخته شود.

کلمات کلیدی: اساسنامه رم، دیوان بین المللی کیفری، همکاری دولتها، تعهدات دولتها، صلاحیت تکمیلی.

## فهرست

- مقدمه ..... ۱
- فصل اول: اجراء اساسنامه رم ..... ۹
- گفتار اول: موضوعات کلی اجراء ..... ۹
- بند اول: اجراء يا عدم اجراء ..... ۱۰
- بند دوم: تصویب قبل از اجرایی کردن یا بالعکس ..... ۱۲
- بند سوم: یک یا چند قانون ..... ۱۲
- بند چهارم: گستره قانون اجرایی ..... ۱۳
- بند پنجم: مدیریت پروسه اجرایی کردن ..... ۱۵
- بند ششم: ظرفیت سازی ..... ۱۷
- گفتار دوم: مسائل مربوط به قانون اساسی ..... ۱۷
- بند اول: عدم پیش بینی مصونیت برای سران دولتها یا سایر مقامات در ماده ۲۷ اساسنامه ..... ۱۹
- بند دوم: عدم پیش بینی مرور زمان در ماده ۲۹ اساسنامه ..... ۲۳
- بند سوم: الزام به تسلیم اتباع کشور در ماده ۸۸ اساسنامه ..... ۲۳
- بند چهارم: پیش بینی مجازات حبس ابد ..... ۲۴
- بند پنجم: عفو یا بخشودگی ..... ۲۶
- بند ششم: انجام تحقیقات از سوی دادستان دادگاه در قلمرو کشور عضو ..... ۲۷

- بند هفتم: ملاحظات حقوق بشری..... ۲۷
- فصل دوم: تکلیف همکاری با دیوان طبق بخشهای ۹ و ۱۰ اساسنامه رم..... ۲۹
- گفتار اول: مرور الگوی همکاری در اساسنامه رم..... ۲۹
- بند اول: اشکال درخواست دیوان کیفری بین المللی..... ۳۲
- بند دوم: طرق تحویل درخواست..... ۳۳
- بند سوم: زبان درخواست..... ۳۳
- بند چهارم: هزینه اجراء درخواست دیوان..... ۳۴
- بند پنجم: تضمین محرمانه بودن..... ۳۴
- بند ششم: مشورت با دیوان کیفری بین المللی در مورد اشکال و تأخیر در معاضدت..... ۳۵
- بند هفتم: استثناء ماده ۹۹..... ۳۶
- گفتار دوم: دستگیری و تحویل متهمین
- بند اول: مرور مقررات مربوط به دستگیری..... ۳۶
- بند دوم: صدور و اجراء حکم جلب..... ۳۷
- بند سوم: دستگیری موقت..... ۳۸
- بند چهارم: اعطاء لازم الاجرائی حقوق داخلی به احکام جلب دیوان کیفری بین المللی..... ۳۸
- گفتار سوم: حقوق متهمین و افراد تحت تعقیب..... ۳۹
- بند اول: رسیدگی نزد یک مقام صالح..... ۴۰

- بند دوم: آزادی موقت ..... ۴۱
- بند سوم: صدور احضاریه ..... ۴۲
- گفتار چهارم: تحویل ..... ۴۳
- گفتار پنجم: درخواستهای متعارض ..... ۴۴
- بند اول: تعارض با تعهدات بین المللی ..... ۴۵
- گفتار ششم: جمع آوری و نگهداری مدارک ..... ۴۸
- بند اول: شهود و مدارک شفاهی ..... ۵۰
- بند دوم: مدارک مستند و عینی ..... ۵۳
- بند سوم: ارتباطات و اطلاعات ممتاز ..... ۵۵
- بند چهارم: حفاظت از اطلاعات امنیتی ملی ..... ۵۶
- بند پنجم: حفاظت از اطلاعات شخص ثالث ..... ۵۷
- گفتار هفتم: اجراء ..... ۵۷
- بند اول: جریمه ها و احکام جبران خسارت ..... ۵۷
- بند دوم: احکام زندان ..... ۵۸
- بند سوم: اجراء احکام ..... ۶۰
- بند چهارم: انواع دیگر معاضدت ..... ۶۱
- گفتار هشتم: امتیازات و مصونیت‌های کارکنان دیوان کیفری بین المللی ..... ۶۱



- گفتار نهم: جرائم علیه اجرای عدالت دیوان کیفری بین المللی ..... ۶۲
- گفتار دهم: تعهدات مالی کشورهای عضو ..... ۶۵
- گفتار یازدهم: استثنائات نسبت به وظیفه همکاری دیوان ..... ۶۶
- فصل سوم: تکلیف همکاری در پرتو اصل صلاحیت تکمیلی ..... ۶۸
- گفتار اول: مقررات اجرای اصل صلاحیت تکمیلی ..... ۷۲
- بند اول: تحقیق یا تعقیب داخلی اصیل ..... ۷۱
- بند دوم: اصل منع محاکمه مجدد و اصل صلاحیت تکمیلی ..... ۷۳
- بند سوم: موارد استثناء اصل منع محاکمه مجدد ..... ۷۴
- بند چهارم: منافع عدالت و اصل صلاحیت تکمیلی ..... ۷۵
- بند پنجم: تصمیم گیری در خصوص اعمال صلاحیت تکمیلی ..... ۷۶
- گفتار دوم: ملاحظات مورد نیاز کشورها ..... ۷۷
- بند اول: رابطه میان صلاحیت قضایی و صلاحیت تکمیلی ..... ۷۷
- بند دوم: صلاحیت زمانی ..... ۷۸
- بند سوم: صلاحیت شخصی ..... ۷۹
- بند چهارم: صلاحیت موضوعی ..... ۸۱
- فصل چهارم: واکنشها به عدم همکاری ..... ۹۱
- گفتار اول: واکنشهای حقوقی ..... ۹۱

بند اول: درون نهادی ..... ۹۵

بند دوم: برون نهادی ..... ۹۸

گفتار دوم: واکنشهای غیر حقوقی ..... ۱۰۲

بند اول: اتحادیه اروپا ..... ۱۰۲

بند دوم: جامعه مدنی ..... ۱۰۴

نتیجه گیری ..... ۱۰۷

منابع ..... ۱۱۰

خاطرات تلخ نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در قرن ۲۰ از مهمترین عوامل عملی شدن دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد. در قرن اخیر سعی وافری جهت محدود کردن جنگ صورت گرفت ولی با توجه به اینکه این تلاشها نتوانستند نتایج حتمی و مسلمی داشته باشند کنوانسیونهای ژنو سعی کردند با قاعده مند کردن جنگ گامی جهت رعایت حقوق بشر بردارند ولی تداوم سفاکی‌ها در جنگهای بین‌المللی و داخلی، جامعه جهانی را بیش از پیش در ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی ثابت قدم نمود.

اساسنامه رم، یک دیوان کیفری بین‌المللی دائمی را با قدرت تحقیق و تعقیب کسانی که مرتکب جرائم نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت، جرائم جنگی و تجاوز می‌شوند را ایجاد نمود.

امضاء اساسنامه در تاریخ ۱۷ جولای ۱۹۹۸ و لازم‌الاجراء شدن آن در اول جولای ۲۰۰۲ بوده است.

۱۲۰ کشور از ۱۶۰ کشوری که در رم برای کنفرانس ملل متحد گرد آمده بودند در حمایت از متن پایانی اساسنامه رای دادند و در نهایت ۱۲۹ کشور اساسنامه را امضاء کردند و هم‌اکنون ۱۰۶ کشور از مناطق جغرافیایی و سیستمهای حقوقی موجود، به عضویت اساسنامه در آمده‌اند. بنا بر این ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی بیان‌کننده تحقق یک کنسانسوس قدرتمند میان دولتهاست، که با توجه به تنوع منافع و سیستمهای حقوقی که در روند ایجاد آن مشارکت داشته‌اند این یک کار بزرگ محسوب میشود.

دیوان کیفری بین‌المللی یک خلاء مهم در سیستم حقوقی بین‌المللی را پر کرده است چرا که بر خلاف دیوان بین‌المللی دادگستری که تنها به موضوعات مربوط به مسئولیت دولتها می‌پردازد دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به جرائم اشخاص را دارد.

البته پیش از ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی نیز کوششهایی در جهت پر کردن این خلاء صورت گرفته بوده است که عبارتند از: دادگاه ویژه پیش‌بینی شده بعد از جنگ جهانی اول به موجب ماده ۲۲۷ معاهده ورسای ۱۹۱۹ که برای رسیدگی به اتهام ویلهلم دوم امپراتور سابق آلمان مبنی بر نقض عمده قواعد اخلاق بین‌المللی و مقام مقدس معاهدات، پیش‌بینی شده بود.

دیوان کیفری بین المللی سال ۱۹۳۷ که به منظور پیشگیری و مجازات تروریسم ایجاد شد و مجوز آن کنوانسیون دیگری بوده که در همان روز به امضاء رسید و هدف از تشکیل آن رسیدگی به اتهام کسانی بود که مرتکب یکی از جرائم مذکور در کنوانسیون پیشگیری و مجازات تروریسم می شدند.

که البته این دو دادگاه هیچگاه تشکیل نشدند چون در مورد اول دولت هلند از استرداد ویلهلم دوم خودداری کرد و کنوانسیون مذکور نیز فقط در شور اول به تصویب رسید و به اجراء در نیامد.

دادگاههای نظامی نورمبرگ و توکیو که توسط فاتحان جنگ جهانی دوم ایجاد شدند و فقط به جنایات جنگی مغلوبین در جنگ رسیدگی می کردند این دادگاهها نه به موجب عهد نامه که بر اساس تصمیم یکجانبه یعنی اعلامیه ویژه فرماندهی عالی نیروهای متفقین در خاور دور ایجاد شدند.

دادگاه یوگسلاوی سابق که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد از طریق اعمال فصل هفتم منشور و به علت آنکه درگیرها، صلح و امنیت بین الملل را به خطر می اندازد، ایجاد شد.

دادگاههایی که موسوم به دادگاههای بین المللی شده یا مختلط هستند مثل آنچه در تیمور شرقی، سیرالئون و کامبوج ایجاد شد که ترکیبی از نیروهای داخلی و بین المللی هستند.<sup>۱</sup>

اما هر یک از موارد ذکر شده در فوق برای موارد و وضعیتهای خاص و محدوده زمانی مشخص ایجاد شدند و نیازمند پروسه ای طولانی و اجتماع عوامل مختلف مثل قدرت، بودجه، توانایی ایجاد امنیت، عوامل سیاسی و حقوقی خاص بوده است. بنا بر این دیوان کیفری بین المللی به عنوان یک نهاد دائمی که دارای مکانیزم مشخص و دائمی برای مجازات مرتکبان جرائم جدی بین المللی هست، صاحب جایگاه بی مانندی در سیستم حقوقی بین المللی می باشد.

همچنین به این علت که دیوان کیفری بین المللی نهادی بر اساس معاهده است رابطه منحصر به فردی با سیستم ملل متحد دارد. توافقنامه همکاری که بین دیوان کیفری بین المللی و سازمان ملل در اکتبر ۲۰۰۴ امضاء شد پایه حقوقی همکاری بین دو سازمان را در چارچوب اساسنامه هاشان پایه گذاری کرد.

<sup>۱</sup> Philippe Kirsch "the role of ICC in enforcing international criminal law" page 544

تشکیل دیوان کیفری بین المللی میتواند تاثیرات مختلفی بر سیستم حقوقی بین المللی و داخلی کشورها، مانند بهبود نظم حقوقی بین المللی و بهبود سیستم حقوق کیفری داخلی آنها، داشته باشد، اما مهمترین دلایل و اهداف ایجاد دیوان را میتوان حمایت از حقوق بشر، پایان بی کیفری مجرمان بین المللی و ایجاد نقش پیشگیرانه نسبت به این جرائم دانست.

برای کارشناسان حقوق بشر، واضح و بدیهی است که رسیدگی به جرایم اشخاص در رابطه با نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به مکانیسمهای مناسبی برای اجراء نیاز دارد. برای دهه ها حقوق بین الملل به مکانیسم هایی موثر و کافی برای پاسخگویی مرتکبان جرایم بین المللی نیازمند بوده است.<sup>1</sup>

آنچه که در مورد لزوم وجود یک دادگاه کیفری بین المللی برای حمایت از حقوق بشر جدی می نماید آنست که دادگاههای داخلی و ملی برای چنین جنایاتی یا به درستی قانونگذاری نکرده اند یا در زمانی که چنین جرائم رخ می دهند به دلیل گستردگی و سیستماتیک بودنشان و یا به دلیل مشارکت نمایندگان دولتها در ارتکاب آن جرائم، توانایی برای حمایت از حقوق بشر از دست رفته را نداشته اند، همچنین اکثرا محاکم داخلی تمایلی به تعقیب جرایمی که فاقد علقه سرزمینی یا ملی با دولت متبوعشان میباشد، ندارند و هنوز اکثر محاکم داخلی، اهداف کوتاه مدت داخلی را به حمایت از منافع جامعه جهانی ترجیح میدهند.

به علاوه قضات بین المللی نسبت به قضات داخلی محذورات کمتری در رعایت بیطرفی و رفتار یکسان با طرفین دارند، همینطور محاکم بین المللی نسبت به محاکم داخلی امکانات بیشتری برای تحقیق در چند کشور را در اختیار دارند و از آنجا که محاکمات بین المللی مرئی تر و پر سر و صداتر از رسیدگی های داخلی هستند، ایجاد دیوان کیفری بین المللی نشانگر اراده جامعه بین المللی به گسستن از روشهای گذشته و در پیش گرفتن مسیری جدید با مجازات کسانی که از ضوابط مقبول هنجارهای انسانی دوری گزیده اند، می باشد.

علت دیگری که میتوان برای وجود دیوان کیفری بین المللی در حمایت از حقوق بشر آورد آنست که این جرایم تعرض به وجدان عمومی بشریت است و از جرایم حقوق بین الملل میباشد چون احساس عدالت خواهی و

<sup>1</sup> Philippe Kirsch "The role of ICC in enforcing international law" AM.U.INT'L L.rev page 545

کرامت و عزت نفس بشریت را خدشه دار میکند و باید با ابزارهای حقوق بین الملل عمومی نسبت به آنها عکس العمل نشان داده شود.<sup>۱</sup>

در حالیکه جامعه بین المللی عمدتاً مجموعه ای از ارزشهای بنیادین مثل صلح، احترام به حقوق بشر و حقوق بشر و دوستانه را در اسناد بین المللی وضع و تثبیت می کند، وجود جرایم بین المللی شکاف بین این ارزشها و واقعیات تلخ را نشان میدهند و در این بین برای هماهنگی با آن ضوابط حقوقی، سرکوب ناقضان این ارزشها از طریق محاکمه مباشرین آنها قدمی مثبت در جهت عملی کردن آن معیارها به شمار می رود. تاسیس دیوان کیفری بین المللی، آرزوی اجرای عدالت علیه مجرمان بین المللی بدون توجه به پشتوانه سیاسی و قدرت نظامی آنها و بدون اعتنا به مصونیتهایی که طی سالهای متمادی مورد استفاده حاکمان برای فرار از پاسخگویی و حضور در محاکم قضایی بوده و در ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به صراحت رد شده است، را محقق ساخته است.<sup>۲</sup>

این دادگاه برای محاکمه مرتکبین جرایم جدی پیش بینی شده است و به قربانیان این جرایم اجازه میدهد از یکسوبا محکوم کردن و مجازات مجرمین بین المللی در پیشبرد عدالت بین المللی دخالت کنند و از سوی دیگر، برای ادعای خسارات متحمل به نهادهای ذیصلاح رجوع نمایند.

یکی از مهمترین تئوریهای ایجاد دادگاههای کیفری بین المللی این بوده است که با فراهم آوردن یک سیستم منظم، قاعده مند و صلح آمیز پاسخگویی، به خشونت پایان داده شود. در واقع یکی از بزرگترین معضدهای اجتماعی دادگاههای بین المللی آنست که انتقام جویی کنترل نشده و خصوصی را با یک پروسه مشخص برای تشخیص گناهکار و مجازات وی، توسط افرادی غیر از آسیب دیدگان و قربانیان را فراهم می آورد و این کار برای آشتی و صلح کمک کننده است. چراکه تنها راه متمدنانه برای چنین انتقام جوییها و کینه هایی، اعطاء عدالت است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> ادوارد دگر بیی "دیوان بین المللی کیفری و حقوق بین الملل" مترجم ابراهیم بیگ زاده، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۳

<sup>۲</sup> Luis Moreno ocampo "icc seeking global justice" page 5

<sup>۳</sup> Jenia Iontcheva Turrver "Defence perspective on law and politics in international criminal trials". virginia journal of international law .vol48.3

در سطحی دیگر، محققان معتقدند که این دادگاهها، بازسازی و صلح را با متمرکز ساختن سرزنش و مجازات برای عده ای خاص و کاهش آن از سطح بزرگی از جامعه که احتمالاً در جرایم مشارکت داشته اند، افزایش می دهند. دادگاههای بین المللی باعث می شوند که به قربانیان جرایم بین المللی نشان داده شود که مرتکبان جرایم بین المللی مجبور به پرداخت خسارت جرایمشان و تحمل مجازات در یک دادگاه مشروع می شوند و این تضمین مجازات، امکان آشتی میان اعضاء جامعه را می دهد.<sup>1</sup>

تجربه جنگهای مختلف بین المللی و به خصوص جنگهای داخلی نشان میدهند که درگیریها و مخاصمات مسلحانه حتی با حضور نیروهای حفظ صلح سازمان ملل متحد ادامه داشته است مگر آنکه طرفین درگیریها احساس کنند که عدالت کیفری در حق آنان توسط یک محکمه عدل بین المللی رعایت خواهد شد.

در واقع فقدان یک دیوان کیفری بین المللی مجرم بین المللی را از تبعات شدید جرم خود آسوده می سازد و آن مجرمان از آنکه در کشور خود دارای قدرت و امنیت کافی هستند آسوده خیال مرتکب جرم میشوند در حالیکه وجود یک دیوان کیفری بین المللی، تاثیر مثبتی در تقلیل جرائم بین المللی و پیشگیری از وقوع جرایم خواهد داشت.

لزوم صلح برای زیست جامعه بین المللی فوری و دائمی است و صلح با تشکیل محاکمی زودگذر و موقتی که تنها برای زدودن تراژدیهای گذشته از خاطره ها و تسکین موقتی وجدان بین المللی به وجود می آیند، تامین نمیشود، بلکه تامین آن با از میان بردن عدم تعادلی که میان پیشرفت انسان در عرصه تکنولوژی از یک سو و سقوط اخلاق بین المللی از سوی دیگر به وجود آمده است، ممکن میباشد.

اما تمام آنچه در رابطه با این سازمان، اهداف آن و عملکردش گفته شد، بدون همکاری کشورهای عضو بیهوده می نماید. چراکه تمام سازمانهای بین المللی برای انجام آنچه برای آن به وجود آمده اند به کمک کشورها نیاز دارند و دیوان کیفری بین المللی به علت ماهیت قضایی و کارویژه خاصی که مشکلات مخصوص به خود را دارد و در طول این نوشتار به آنها پرداخته خواهد شد، نیاز بیشتر و خاصی به مدد کشورها دارد. از این جهت در این نوشتار سعی شده، تعهد همکاری کشورها با دیوان کیفری بین المللی برای عملکرد بهتر آن بررسی شود.

<sup>1</sup> Antonio Cassese. "reflections on international criminal justice" 61 Mod.L.rev.1,5\_6(1998)

پایان بی کیفری و داشتن مسئولیت کیفری مجرمان بین المللی از دو جهت امکانپذیر می گردد، یک جهت آنکه دولتهای عضو با اصلاح و ایجاد نظام حقوقی داخلی همگون و همجهت با استانداردهای کیفری بین المللی در وصول به این هدف تلاش کنند و دیگر اینکه دیوان نیز با صلاحیتها و اختیاراتی که طبق اساسنامه رم دارا شده است و با مشارکت دولتها و همکاری تنگاتنگ آنها، در جهت هدف خود یعنی پایان بخشیدن به بی کیفری عمل کند. بنابراین آنچه مورد امعان نظر ویژه از منظر این پایان نامه قرار دارد آنست که هدف یک سازمان بین المللی در پرتو تعامل پویا و مداوم دولتهای عضو محقق می شود.

دیوان کیفری بین المللی از دو سطح تامین اثربخشی درون نهادی و برون نهادی بهره مند است و برای شروع رسیدگیها در جهت ورود به قضیه سه باب: ۱- ارجاع دعوا از سوی دولت عضو ۲- ابتکار دادستان و ۳- ارجاع از جانب شورای امنیت، طراحی شده است.

مورد اول و دوم در مبنای درون نهادی برای به کار افتادن نظام بین المللی کیفری هستند و مورد سوم امکانی برون نهادی را فراهم می آورد. در واقع حمایت از حقوق بشر و عدم بی کیفری مجرمان بین المللی آنچنان اهمیت می یابد که نهاد قضایی، یک باب صلاحیتی برون نهادی را نیز در نظر می گیرد و به شورای امنیت این امکان را می دهد که طبق فصل هفتم منشور، وضعیتی را که مربوط به یک کشور عضو و حتی غیر عضو است به دیوان کیفری بین المللی ارجاع دهد.

هر نهاد بین المللی که معمولاً فاقد نیرو و توان اصیل و بالذات است، اشتغالات خود را با توان تامین شده از سوی اعضاء خود به مرحله عمل در می آورد و این امر نیازمند آیینی مؤثر برای تعیین ضابطه و معیار جهت حصول این نیرو و توان است و این آیین در اساسنامه رم که سند مؤسس دیوان محسوب می شود، آورده شده است. آنچه در این نوشتار مورد توجه قرار می گیرد، شیوه، ماهیت، فرایند و برآیند این همکاری است. در واقع موضوع این نوشتار عبارت از اینست که همکاری کشورهای عضو اساسنامه رم با دیوان کیفری بین المللی در چه حدی و با چه شیوه ای می بایست انجام بگیرد تا دیوان امکان ایفاء نقش خود را بیابد.

این نوشتار به چهار فصل تقسیم می شود، فصل اول با عنوان اجراء اساسنامه رم، به دو قسمت موضوعات کلی اجراء و موانع اجراء تقسیم شده است. در این فصل به تکلیف اولیه کشورها برای همکاری با دیوان، که همان



قانونگذاری و ایجاد بستر مناسب حقوقی و مشروع برای کمک به دیوان در جهت تحقق اهدافش و یا حتی رسیدگی مستقل کشورها به جرایم بین المللی می باشد، پرداخته خواهد شد. در قسمت دوم نیز مواعی که کشورها در جهت این قانونگذاری، با آنها رو به رو می شوند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فصل دوم با عنوان بررسی تعهد همکاری کشورها مطابق بخشهای ۹ و ۱۰ اساسنامه رم، به پنج قسمت تقسیم شده است. سعی خواهد شد که در این فصل به اهم سؤالاتی که در رابطه با همکاری وجود دارد پاسخ داده شود. در قسمت اول به مبانی حقوقی همکاری و اینکه کدام قسمت از اساسنامه رم مربوط به موضوع همکاری است، همچنین چگونگی شروع همکاری کشورها با دیوان کیفری بین المللی و شرایط آن، پرداخته خواهد شد.

در قسمت دوم به همکاری در زمینه دستگیری و تحویل متهمین، که یکی از مهمترین موارد همکاری کشورها با دیوان است پرداخته خواهد شد و تمام شرایط مربوط به این موضوعات که در اساسنامه رم آمده است و سطح و شیوه مساعدتی که از کشورهای مطالبه می شود، بررسی می گردد.

قسمت سوم فصل دوم به موضوع جمع آوری و نگهداری مدارک و شواهد و شرایط و موارد لازم الرعایه در این باب، که یکی دیگر از موارد مهم یاری رسانی کشورها به دیوان است، اختصاص خواهد یافت. همچنین اینکه آیا اطلاعات خاصی دارای امتیازات ویژه ای هستند یا خیر نیز در این قسمت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در قسمت چهارم فصل دوم به مبحث مهم اجراء حکم و اینکه پس از تلاشهای فراوان دیوان و کشورهای و صدور حکم از جانب دیوان، نحوه اجراء حکم چگونه خواهد بود و نقش کشورها در این میان چیست، پرداخته خواهد شد.

در قسمت پنجم فصل دوم، انواع دیگر معاضدت که تقسیم بندی خاصی ندارند و در اساسنامه رم آمده است و همچنین استثنائات وارد بر تعهد همکاری، بررسی خواهد شد. از آنجایی که دیوان کیفری بین المللی قصد ندارد جانشین سیستمهای کیفری ملی باشد بلکه می خواهد در نقش مکمل آنها عمل کند، فصل سوم این نوشتار به اصل صلاحیت تکمیلی به عنوان اصل بنیادین در اساسنامه رم و اینکه این اصل چه جایگاه و ارتباطی با همکاری دارد، و اینکه موارد استثناء این اصل کدامها هستند، اختصاص خواهد یافت. قسمت دوم فصل سوم نیز به موارد و

ملاحظاتى كه كشورها براى استفاده از اصل صلاحيت تكميلي در جهت همكارى با ديوان نياز دارند، خواهد پرداخت.

فصل چهارم، واكنش ها به عدم همكارى نام دارد در اين بخش ضمانت اجراى عدم همكارى، مبنای حقوقى و غير حقوقى دولتها به همكارى با ديوان وامكانات ديوان درغنى كردن همكارى، بررسى خواهد شد.

قسمت اول فصل چهارم به واكنش هاى حقوقى مى پردازد و به سوالاتى از قبيل اينكه چند نوع واكنش حقوقى و با چه ماهيتى در اين ارتباط مى توان شناسايى نمود، آيا تمام واكنش ها از سوى ديوان صورت مى گيرد، چه نهادى بايد عدم همكارى را احراز كند، چه نهادى بايد ديوان را در جهت اجبار دولت مزبور به همكارى مساعدت نمايد، آيا ديوان مى تواند از نهادى خارج از خود براى همكارى كمك بگيرد، گستره واكنش ها به عدم همكارى چگونه تعيين مى شود و با چه هدفى تقسيم بندى مى شود، پاسخ خواهد گفت.

عنوان قسمت دوم فصل چهارم، واكنش هاى فرا حقوقى است كه به مشاركت و تاثير نهادهاى بين المللى و جامعه مدنى مربوط مى شود چنين نهادهاى هم در جهت ترغيب همكارى فعاليت دارند وهم در جهت انجام واكنشى متفاوت در قبال عدم همكارى، كدام نهادها بيش از بقيه در جهت همكارى فعاليت مى كنند و از چه امكانى در جهت همكارى و يا واكنش در قبال عدم همكارى بهره مى برند، واكنش ماهيتى اين نهادها چيست و با چه هدفى انجام مى پذيرد، سوالاتى است كه مورد تأمل قرار خواهد گرفت.

همانطور كه از توضيحاتى كه در سطور پيشين در رابطه با اين تحقيق ذكر شد، پيدااست؛ اين تحقيق بيشتر به شيوه اى توصيفى نگاه شده است و در واقع به جز قسمتهائى كه براى ورود به مطلب و درك چرأى موضوعى خاص از شيوه تحليلى استفاده شده است، بقيه مطالب توصيفاتى از آنچه در رابطه با موضوع تحقيق وجود دارند، مى باشند و جنبه كاربرى موضوعات نيز بيشتر مورد توجه قرار گرفته است.

در جمع آورى مطالب اين تحقيق از شيوه كتابخانه اى استفاده شده و مطالب برگرفته از كتب و مقالات گوناگونى هستند كه امكان دستيابى به آنها وجود داشته است. موضوع تعهدات كشورهاى عضو به ديوان كيفرى بين المللى، توسط حقوقدانان متعددى در دانشگاههاى جهان مورد توجه قرار گرفته است.

## فصل اول: اجرائی اساسنامه رم

### ❖ گفتار اول: موضوعات کلی اجراء

کشوری که معاهده ای مثل اساسنامه رم را تصویب می کند باید تعهدات مندرج در آن را مطابق حقوق بین الملل با حسن نیت انجام دهد. طبق حقوق بین الملل هیچ عذری بر مبنای قانون داخلی یا حتی قانون اساسی یک کشور برای عدم رعایت تعهدات معاهده ای وجود ندارد. بنا بر این عموماً کشورها قبل از تصویب یک سند جدید قانون داخلی خود را بررسی می کنند تا تغییراتی که احتمالاً لازم است انجام شود را تعیین کنند، به علاوه در موارد متعارض مثبت صلاحیتی میان دولتها و دیوان کیفری بین المللی، دادگاههای داخلی اولویت صلاحیتی دارند. بنابراین قوانین داخلی که کافی و قابل قبول باشند در هر دو قسمت ماهوی و شکلی، برای اینکه سیستم عدالت بین المللی کارآ باشد بسیار مهم است.<sup>۱</sup>

اینکه یک معاهده چگونه اجراء می شود (به این معنا که چگونه طبق قانون داخلی لازم الاجراء می شود و اینکه چه تغییرات حقوقی یا تنظیماتی باید انجام شود تا کشور بتواند طبق تعهدات بین المللی خود عمل کند.) با توجه به کشور مربوطه، سیستم حقوقی خاص و نوع معاهده متفاوت است.

در مورد اساسنامه رم، دو بعد مهم توافقنامه که موضوعات اجرایی برای کشورها از آنها ناشی می شود، همکاری و صلاحیت تکمیلی است.

همکاری کشورها در زمینه های دستگیری متهمین، جمع آوری مدارک، اجراء احکام و جریمه ها برای دیوان کیفری بین المللی اهمیت حیاتی دارد چراکه هیچ سازمان بین المللی وجود ندارد که مستقل از دولتها بتواند وظایفش را انجام دهد.

از سوی دیگر، اصل صلاحیت تکمیلی این موضوع را که دولتها مسئولیت اولیه تعقیب و تحقیق جرائم بین المللی را عهده دار هستند، تصدیق می کند. (مقدمه و ماده ۱) و اینچنین حکم می کند که دیوان کیفری بین المللی تنها بر مواردی که کشورها نمی توانند یا نمی خواهند به آنها پردازند، اعمال صلاحیت خواهد کرد. علاوه بر اینکه

<sup>1</sup> Julio Bacio Terracino "National Implementation of ICC Crimes" JICJ 5(2007), 421\_440

واقعیات عملی و مالی باعث می شوند دیوان کیفری بین المللی تنها بتواند بخشی از موارد موجود را مورد رسیدگی قرار دهد. چارچوب صلاحیت تکمیلی دلیل خوبی برای کشورهای عضو است تا از اینکه سیستم قضایی شان صلاحیت رسیدگی به جرائم نسل کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی آنطور که در اساسنامه آمده را دارد یا خیر، اطمینان حاصل کنند.

شیوه کشورهای عضو در تصویب و اجراء اساسنامه رم باید نشاندهنده این واقعیت که دیوان کیفری بین المللی یک سازمان بین المللی عادی نیست، باشد. این سازمان وظیفه مواجهه با جدی ترین جرائم مربوط به جامعه بین المللی در کل و از آن طریق افزایش صلح و امنیت بین المللی را دارد. ماده (۱) ۵ و به هر شکل، دیوان کیفری بین المللی تنها زمانی قادر به انجام این کار است که کشورها حمایت صریح و آشکار از دیوان را قبل از هر چیز با تصویب و سپس با تضمین اینکه اساسنامه در سیستم حقوقی آنها به طور مؤثر اجراء می شود، نشان بدهند و بدین طریق راه را برای همکاری کامل با دادگاه و پیگیری مؤثر جرائم دیوان کیفری بین المللی نزد دادگاههای داخلی هموار کنند.

ماهیت خاص اساسنامه رم و دیوان کیفری بین المللی، پیامهایی بنیادی برای اینکه کشورها چگونه در طول این دو مسیر پیش بروند، دارد.<sup>۱</sup>

### بند اول: اجراء یا عدم اجراء

اینکه یک کشور چگونه تعهداتش را که در یک معاهده بین المللی مثل اساسنامه رم پذیرفته، اجراء می کند، به این موضوع که چگونه نرمهای بین المللی را وارد سیستم حقوقی خود می کند، بستگی دارد.

در برخی از کشورها، بعد از تصویب موافقتنامه لازم نیست مرحله دیگری انجام گردد تا موافقتنامه وارد سیستم حقوقی داخلی شود، این کشورها دارای سیستم یگانگی حقوقی هستند. به این معنی که قانون اساسی این کشورها درج نرمهای بین المللی در حقوق داخلی را به محض تصویب یک سند، اجازه می دهد.

<sup>1</sup>International center for criminal law reform and criminal justice policy "Manual of ICC Implementation" p 12